

آدرین رده یک نویسنده، منتقد و خبرنگار ساکن فیلادلفیا در ایالات متحده است که عمده فعالیت او تهیه مجموعه ماهانه تلویزیونی Art Beat در شبکه تلویزیونی WYBE فیلادلفیا است. او همچنین در ۱۲ سال گذشته به تهیه مقالاتی پیرامون موسیقی در مجلات و روزنامه های مختلف اشتغال داشته است. وی در مقاله حاضر به بررسی تأثیر موسیقی هند بر سایر ژانرهای موسیقی جهان می پردازد و آن را از زوایایی چند مورد بررسی قرار می دهد. لازم به ذکر است، سایر مقالات این محقق و منتقد صاحب نظر را می توان در نشانی <http://www.netars.com/dred> در شبکه اینترنت مطالعه نمود.

هرچند موسیقی تأثیر پذیرفته از موسیقی هند برای نخستین بار توسط جورج هریسون - یکی از اعضای گروه بیتل ها - و در پی اقامت او در هند و نزد راوی شانکار، در اواخر دهه ۶۰ در غرب مطرح گردید، اما باید پذیرفت که موزیسین های آوانگارد و هنرمندان جز از مدتها پیش لذت و تنوع موسیقی کلاسیک هندی را کشف کرده بودند چرا که

موسیقی غربی پتانسیلی را در موسیقی هند یافته بود که در هیچ منطقه دیگری از جهان یافت نمی شد. در همین راستا تعدادی از آمریکاییان و هندیهای مقیم آمریکا، هم کنون به عنوان پیشروهایی تداوم و اشاعه این مسیر در ایالات متحده به شمار می روند. یکی از این افراد وارن سندرز است. سندرز که در طول سال در هر دو شهر کمبریج (ماساچوست) و پان (هند) حضور فیزیکی دارد، با دنبال کردن سبک خوانندگی خیال-سبکی در موسیقی کلاسیک شمال هند- فعالیت چشمگیری در اجرا موسیقی ترکیبی-راگا- با حضور شش نوازنده هندی ویولن، بانسوری، فلوت، ستیار، گیتار، طبل (جاز) و طبل داشته است. وی که سابقه درخشانی چه از نظر دانش نشوری و چه از نظر عملی در موسیقی غربی دارد، پس از چهار سال تحصیل در کمبریج و دو سال تحقیق در نیوانگلند در بوستون، با موسیقی هند آشنا شد. سندرز توضیح می دهد: نخستین قطعه ای که واقعا مرا تحت تأثیر قرار داد، آهنگی کاملاً هندی از راوی شانکار و با صدای لاکسی شانکار بود. اما مجموعه ای که مرا به تجربه جدی این سبک موسیقی واداشت، آلبومی از بیمنس جوشی

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

جز

شرقی

موسیقی در جهان

خود دارد.

ارتباط بین جزو موسیقی هندی -

ترکیب موسیقی هندی و موسیقی جز سابقه طولانی در تاریخ موسیقی جهان دارد و همچون **Boogie for Hanuman**، منجر به ارائه کارهای درخشانی در عرصه موسیقی شده. برای مثال جان مک لافلین که نخستین بار در کنار مایلز دیویس در کانون توجه قرار گرفت، تجربه ای بسیار موفق در این امر در طی همکاری با ارکستر ماها و شیفر به عنوان نوازنده گیتار داشت. به همین شکل چیک کورا، استنلی کلارک، ال دی میولادنی وایت گروهی به نام بازگشت به ابدرا تشکیل دادند که یکی دیگر از گروه های معتبر جز تأثیر پذیرفته از موسیقی هندوستانی بود. موسیقی شمال هند به دلیل استفاده از نت - برخلاف موسیقی جنوب هند - بیشتر مورد توجه موزیسین های آفریقا - کارائیب، برزیل، جز آمریکای شمالی و دیگر مناطق قرار گرفته. کارناتیک یا همان موسیقی جنوب هند بخشی از زندگی روزمره محسوب می شود در حالیکه هندوستانی یا موسیقی

به نام راگ مروه بود و در این زمان بود که به خودم گفتم «این چیزی بود که در سرت می شنیدی». بیمن جوشی بی شک برجسته ترین خواننده در قید حیات موسیقی هندوستانی است. سندرز که در طی این مدت گرایشانی به هندویسم نیز داشته، نخستین تجربه جدی خود را به همراه گروه آمریکایی اش، «آنتی گراویتی»، در طول سالهای ۱۹۷۹ تا ۱۹۸۳ کسب کرد. آنتی گراویتی متشکل از فیل اسکارف (ساکسیفون)، سندرز (ترامپون، گیتار و گیتار باس) و دونوازنده طبل بود. این ترکیب آمریکایی گروه، در سالهای بعد دچار تغییر شد هر چند سندرز احساس امیدواری می کند که بتواند در سالهای آینده بار دیگر در کنار فیل اسکارف به تهیه و ارائه آلبوم جدیدی دست بزند. آخرین کار این گروه با اعضای جدید آن، **Boogie for Hanuman** نام دارد که از آهنگ راگا با اشعاری مذهبی توسط سندرز تنظیم شده. همسر سندرز، وِجایا سوندارام، که خواننده تمامی آلبوم گروه بوده، در این آلبوم نیز خواننده اصلی به شمار می آید. سوندارام خود ستیاریست و آهنگسازی است که چندین آلبوم **single** نیز در کارنامه هندی



شمال هند عرصه معتبرتری برای ترکیب با دیگر سبکها می تواند باشد. عامل دیگری که این قابلیت را به موسیقی هندوستانی می بخشد، تأثیرپذیری از موسیقی ایرانی در خلال حکومت امپراتوری مغول در بین سالهای ۱۵۲۶ تا ۱۸۵۷ میلادی است.

فیل اسکارف، یکی دیگر از پیشگامان غربی این سبک، کار جدی را از اوائل دهه ۸۰، در طی همکاری با سندرز و گروه آنتی گراویتی آغاز نمود. اسکارف ادامه می دهد: در آن زمان، وارن (سندرز) چند سالی در زمینه موسیقی هندوستان تحقیقاتی را انجام داده بود. من به عنوان یک موزیسین جز، به تکنیکهای جدید و ایده هایی برای بداهه نوازی علاقه داشتم و از این رو موسیقی هند عرصه مثبتی برای من به شمار می رفت. بعد از سالها گوش دادن به موسیقی هند و حضور در کنسرتها، مطالعه جدی من از سال ۱۹۸۵ ابتدا در بوستون و متعاقب آن در پان هند انجام شد.

از آن پس اسکارف هشت سفر دیگر به هند برای ادامه مطالعاتش انجام داد. او سابقه اجرای موسیقی کلاسیک هند در هر دو زمینه «هندی-آفریقایی-جز» به نام ناتراج و همچنین سبک سنتی موسیقی هند داشته است. وی ادامه می دهد: پس از ۱۷ سال تجربه در سبک هندی-جز، اکنون می توانم با اطمینان بیان کنم که هر دو این سبکها-جزو موسیقی کلاسیک هندی-بر پایه بداهه نوازی قرار دارند و می توانند به عنوان منابعی برای بداهه نوازی و کمپوزیسیون بکار بروند.

دان چری، نوازنده ترومپت که به همراه اورنت کلمن نوازنده ساکسیفون گروه هارمولودیک را تشکیل داده بود، معتقد است که این دو سبک در چیزی بیشتر از دارا بودن نت، با هم اشتراک دارند. وجود ۳۶ نوا در یک اکتاو باعث می شود تا پتانسیل بیشتری برای نوازندگی «در میان نت ها» و خلق چیزی که «جز آزاد» نامیده می شود، وجود داشته باشد. به هر حال، برخلاف جز آمریکایی و یا دیگر موسیقی های غربی، موسیقی هندی بر پایه ملودی یا «راگا» قرار دارد هر چند راوی شانکار در دفترچه آلبوم «راوی شانکار سه راگا کلاسیک می نوازده»-به سال ۱۹۵۶- نقش هارمونی را چندان قوی تفسیر نمی کند. او توضیح می دهد: موسیقی هند الهام گرفته از طبیعت است و هارمونی می تواند به ساده ترین و ابتدایی ترین فرم در آن وجود داشته باشد. از همین رو غریبان برای لذت بردن از شنیدن چنین موسیقی باید هارمونی و نواهای ترکیبی را که از شاخص های موسیقی کلاسیک و دیگر شاخه هاست، را فراموش کنند و ذهن خود را متوجه ملودی و ریتم غنی کنند تا بتوانند به فضایی که راگاها در آن

تنظیم شده وارد شوند.

تری گان، گیتاریست گروه warr و یکی از اعضای اسبق گروه کینگ کریسون درباره این مقوله که چندان با ششمین آلبوم solo او به نام ستاره سوم نیز بی ارتباط نیست می گوید: تأثیر موسیقی هندی در غرب دچار افت و خیزهایی است. از یک سو صداهای جدید و توجه بیشتر به ملودی محدوده ای جدید برای نوازندگان بداهه نواز غربی بوجود آورده ولی در عین حال اجازه عمل چندانی به نوازندگان غربی به عنوان «نوازنده» و پیشرفت در «هنر نوازندگی» نمی دهد. از سوی دیگر هنوز برای ورود به فضای «راگا» باید نکات فراوانی بیاموزیم. یک نوازنده ممکن است تمامی المان های یک راگا خاص را اجرا کند در حالیکه حس کاملاً نادرستی داشته است و برای همین این آخرین آلبوم من به عنوان نوازنده/آهنگساز خواهد بود چرا که هر چقدر در اجرای قطعات هنر و دقت به خرج داده باشم، هنوز موزیسین های هندی استادان این سبک به شمار می روند.

اما چرا هنوز هنرمندانی چون تری گان به این سبک موسیقی روی می آورند؟ یکی از دلایل این مسئله را از زبان استیو گورن نوازنده فلوت بامبو می شنویم: من تجربه بازگشت به مبدأ را توسط موسیقی هندی داشتم. اهالی هندوستان به من گفتند که من می بایستی در زندگی قبلی ام در آنجا زندگی کرده باشم و چنین استدلالی به واقع برایم منطقی بود. من به موسیقی غربی نیز اشراف دارم ولی این سبک موسیقی هندی است که می توانم از طریق آن حرفهایم را مطرح کنم.

اما حتی وجود چنین احساسی در بین نوازندگان غربی موسیقی هندی، باعث نمی شود تا آنها به عنوان «هنرمندان درجه اول» این سبک موسیقی قلمداد شوند. جورج رکلرت در این باره معتقد است: هنوز اکثر مردم به عنوان یک حاشیه نشین در این سبک به من نگاه می کنند و نمی توانند هنرمندانی همچون من را به عنوان نوازنده ای استاد همپای موزیسین های هندی بپذیرند. این طرز تفکر مشابه موسیقی جز و حاکمیت مطلق سیاه پوستان در آمریکاست که در دهه های اخیر دچار تحول شد و در دهه آینده نیز به حتم چنین تحولی در زمینه موسیقی هند رخ خواهد داد.

چنین دیدگاهی به نظر سندرز شاید از این بابت باشد که تفکر آمریکایی همواره با موسیقی هند به عنوان یک سبک کاملاً بدون کلام (Instrumental) برخورد کرده، در حالیکه آوازخوانی با تمام پتانسیل آن برای بداهه خوانی و ابداعات شخصی رکن اصلی و مرکزی موسیقی هندی است. سندرز ادامه می دهد: فلوت یا سینتار هیچگاه به عمق موسیقی هندی که همانا صدای آواز است، نفوذ نمی کنند. درک من

از نقش آواز به گونه ای است که در یادگیری موسیقی هندی، یادگیری آوازخوانی را به هر چیز دیگر باید ترجیح داد. در غرب اگر به شخصی بگویند که موزیسین هستید از شما سؤال خواهند کرد: چه سازی را می نوازید و شاید هم بپرسند: آیا قدرت خوانندگی هم دارید؟ ولی در هند اگر مدعی موزیسین بودن باشید از شما سؤال خواهند کرد: قدرت خوانندگی شما در چه حد است و ممکن است بپرسند: آیا ساز هم می نوازید؟

ارتباط دیگر بین موسیقی هندوستانی و موسیقی جز را در عبارتی به نام خیال (Khayal)، با معنای ادبی «تصور» (imagination) باید جستجو کرد. سندرز توضیح می دهد: در «خیال» کلماتی هستند که معنایی مشخص ندارند و شاید شش لغت در طول ۲ دقیقه خوانده شوند و از این رو امکان وجود آهنگهایی با لغات کاملاً بی معنی وجود دارد.

اما سندرز شناخت جامعه آمریکایی از موسیقی هند به عنوان یک موسیقی بی کلام را بی دلیل نمی داند. «این ممکن است به دلیل شهرت راوی شانکار موزیسین هندی برای آمریکاییان باشد». و علی اکبرخان برادر خوانده او نیز به همین اندازه در آمریکا مشهور است. خان در سال ۱۹۶۵ به کالیفرنیا آمد و چند سال بعد مدرسه مارین کانتی را در آنجا پایه گذاری کرده و آموزش موسیقی سنتی هند را آغاز نمود. وی در کنار آموزش جدی خوانندگی، نوازندگی سارود (ساز شخصی اش) و ستیاری، ویولن، فلوت، گیتار را به داوطلبان آموزش می دهد.

نکته قابل توجه در این میان استمرار در یادگیری و گوش دادن به این موسیقی است؛ چیزی که هر موسیقی دان و علاقمند به موسیقی چه در غرب و چه در شرق می بایستی اجرا شود. سندرز، که حدود ۲۰ سال به یادگیری موسیقی کلاسیک هندی پرداخته، معتقد است که همچنان باید

به یادگیری ادامه دهد و فیل اسکارف در این باره می گوید: برای یک شنونده عادی، درک لایه های عمیق موسیقی سالها به طول خواهد انجامید و به گوش دادن و حضور مستمر در کنسرتها نیاز دارد و عامل مهم دیگر، همانا پیش زمینه فرهنگی اوست. کسی که در هند بزرگ شده باشد، نیاز چندانی به زمان ندارد ولی یک فرد غربی که آشنایی چندانی با موسیقی کلاسیک هندی نداشته، طبیعاً به زمان بیشتری نیاز دارد.

به عقیده من رویکرد شخصی هر نفر به فرهنگ و نوع خاصی از موسیقی در سالهای اولیه زندگی، نقش مهمی را در توانایی شخص برای درک سبکی خاص از موسیقی را ایفا می کند. «راکرت در کلاسهای درس دانشگاه MIT همواره به شاگردان گوشزد می کند: ۴ مرتبه نخستین گوش فرادادن به هر قطعه موسیقی (اهم از غربی یا شرقی، آفریقایی، هندی و...) تنها به منظور است و درک واقعی موسیقی از مرتبه پنجم به بعد نسبت به آن قطعه خاص در شنونده ایجاد می شود. موسیقی، بالاخص اگر نا آشنا باشد، به دفعات متعدد برای آشنایی با آن نیازمند است.»

بهر صورت، با توجه به اجرای کنسرتها زنده موسیقی هندوستانی در ایالات متحده و سایر نقاط جهان، به نظر می رسد که روند رو به رشد استقبال از این سبک غنی موسیقی در جهان همچنان ادامه داشته باشد و رویکرد علاقمندان موسیقی اصیل و پرمحتوا در سراسر جهان تداوم یابد.

در انتهای مقاله مروری خواهیم داشت بر لیستی از مجموعه آلبومهای موسیقی هندو-جز و یا هندوستانی که توسط هنرمندان ذکر شده در این مقاله در طی دهه های اخیر به بازار عرضه شده است. اطلاعات کاملتر در این زمینه در اینترنت تحت آدرس <http://www.Nitehawk.com/allycat/indyJazz> در دسترس می باشد.

- * بالها و سایه ها از وارن سندرز و استیو گورن
- * ساخت موسیقی از زکیر حسین (طبل، پرکاشن، خواننده)، هاریپراساد چائورا (فلوت)، جان مک لافلین (گیتار)، یان کاربارک (ساکسیفون)
- * ژورنال آسیایی از استیو گورن (ساکسیفون، فلوت بامبو هندی) نانا واسکونسلوس (پرکاشن برزیلی) مایک ریچموند (گیتاریس)
- * راسا-یک دو نوازی از نوازنده گیتار جودی استیچر و نوازنده ستار کریشنابات

- * سفر از علی اکبرخان (سارود) سوپان چادهری (طبل) جی اوتال (کیبورد)
- * یک هزار سال از تری گان
- * ستاره سوم از تری گان

